

تقابل ساز و کارهای پیشگیری از جرائم سازمان یافته با موازین حقوق بشری

حسن سواری^{۱*}، شکوفه پورحسن^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۳۰

دریافت: ۱۳۹۲/۸/۴

چکیده

آثار زیانبار جرائم سازمان یافته در بسیاری موارد ساز و کارهای پیشگیری سختگیرانه در مقابل این جرائم را توجیه می کند. به دنبال گسترش روز افزون این نوع جرائم و به تبع آن افزایش احساس ناامنی، این سؤال مطرح می شود که آیا پیشگیری از وقوع این جرائم به هر قیمتی قابل توجیه است؟ ترس ناشی از این نوع جرائم، گفتگو در یک فضای عقلانی را دچار خدشه خواهد کرد. این ترس می تواند با پدرسالاری کیفری که از طرف دولتمردان اعلام می شود، موجب اغراق در نوع تهدید گردیده، سعی در توجیه اقدامات پیشگیری سختگیرانه داشته باشد. این اغراق در بسیاری موارد باعث می شود که در راستای پیشگیری از وقوع این جرائم، حقوق بنیادین افراد نقض گردد. بنابراین همواره باید مدنظر داشت که دولتمردان در اجرای تکالیف قانونی خود در باب پیشگیری از این نوع جرائم، باید کرامت انسانی فرد را رعایت و از حقوق بنیادین هر فرد دفاع کنند. بدین ترتیب سیاست های تأمین امنیت، پیشگیری از وقوع این جرائم، باید از برخی محدودیت های حقوقی تبعیت کند. این سیاست ها باید اصول حقوق بشر را در خود ادغام کنند.

E-mail: savari@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

واژگان کلیدی: حقوق بشر، جرائم سازمان یافته، پیشگیری، امنیت

۱. مقدمه

در زمینه جرائم سازمان یافته، آثار آن بر امنیت سیاسی و اقتصادی و پیشگیری از آن مباحث متعددی هم در محیط‌های آکادمیک و هم در فضای سیاسی و قانونگذاری، چه در سطح ملی و چه بین‌المللی، صورت پذیرفته است. برخی امنیت در دوران جنگ سرد را امنیت سخت می‌نامند که با جنگ بین ابرقدرت‌ها تهدید می‌شود و درمان آن ترازمندی نیروی ابرقدرت‌ها است و امنیت پس از جنگ سرد را امنیت نرم می‌نامند که با جرائم سازمان یافته تهدید می‌شود و درمان آن پیشگیری از چنین جرائمی است [۱]، ص ۲].

ابتکارات و برنامه‌های جدید در زمینه پیشگیری از جرم، چند سالی است که به طور جدی افزایش یافته است و در این راستا دولت‌ها در صدد استفاده از فناوری اطلاعات برای خبرگیری بوده‌اند [۲، ص ۹۶].

چگونگی، سؤالی است که معمولاً هنگام تأمل بر یک اقدام از جمله پیشگیری از جرم به ذهن متبادر می‌شود. لذا در جرم‌شناسی تدابیری جهت پیشگیری از جرم عنوان شده است. این تدابیر مراقبت، بررسی و ساز و کارهای آن را در بر می‌گیرد.

مراقبت و بررسی به دنبال ارائه این پیام به بزهکار بالقوه است که در صورت گذر از اندیشه به عمل، مشاهده، کنترل و دستگیر خواهد شد. بنابراین، با القای این حس، بزهکار با توجه به خطر دستگیری یا شرمساری ناشی از مشاهده شدن، به تردید می‌افتد.

موقعیت‌هایی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، باید تحت مراقبت و کنترل دقیق باشند. در این حالت بزهکار، در هنگام ارتکاب جرم به دلیل احساس خطر بسیار بالا از ارتکاب آن منصرف می‌شود. در واقع نگاه و استمرار بازدارنده است. مراقبت و کنترل خطر ارتکاب جرم را برای مجرمین بالا می‌برد. لذا اولین نتیجه آن بازدارندگی

وضعی است [۳، ص ۱۰۲].

یکی از انتقاداتی که در بحث مربوط به پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته بسیار مورد توجه قرار گرفته و با نگاه انصاف مدار بر آن وارد است این است که عموماً پیشگیری از این نوع جرائم با نقض اصول بنیادین حقوق بشری همراه است [۴، ص ۱۱۲]. در واقع برجسته‌ترین چالش رویکرد پیشگیرانه نسبت به جرائم سازمان‌یافته رویارویی آن با آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی است. تدابیر پیشگیرانه و نظارت و کنترل سختگیرانه برخاسته از آن تنها بر شهروندان بار می‌شود و همه آنان همچون مظنون پنداشته می‌شوند [۵، ص ۱۶۵].

تأثیرات منفی جرائم سازمان‌یافته بر امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع بر کسی پوشیده نیست. از آن‌جا که ماهیت این جرائم متفاوت از جرائم دیگر است ساز و کارهای پیش‌بینی شده برای مبارزه با این جرائم متفاوت و سختگیرانه خواهد بود. اما آنچه که در این راستا مورد غفلت واقع گردیده است قربانی شدن حقوق بشر به بهانه حفظ امنیت دولت محور است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که آیا در خطر ناشی از این امر اغراق نشده است؟ آیا دولت‌ها، مبارزه با جرائم سازمان‌یافته را بهانه‌ای برای تأمین اهداف تمامیت خواه خود قرار نمی‌دهند؟

در این پژوهش این تقابل هم در بحث حریم خصوصی و هم در بحث اعمال محدودیت‌ها و نیز در رابطه با عدم تبعیض در اقدامات ضد جرائم سازمان‌یافته قابل بررسی است. لازم به توضیح است که نویسندگان در این پژوهش صرفاً تقابل قواعد مبارزه با جرائم سازمان‌یافته را در مرحله پیشگیری مورد توجه قرار داده‌اند. به دلیل مبسوط بودن بحث و عدم امکان بررسی این تقابل در مراحل دادرسی و کیفر در این مجال، تحلیل آن به پژوهش‌های مستقل دیگری نیازمند خواهد بود.



۲. حریم خصوصی

به دلیل مباحث اختلافی که در رابطه با مفهوم حریم خصوصی در بین حقوقدانان وجود دارد ابتدا لازم است تا این مفهوم مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. مفهوم حریم خصوصی

پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته و شناسایی مظنونین و مجرمین به ارتکاب این نوع جرائم از مهم‌ترین ساز و کارهای مبارزه با آن در نظر گرفته شده است. بدیهی است چنین ساز و کارهایی در برخی موارد مستلزم ورود به حریم‌هایی است که اصولاً مصون از ورود و تعرض است؛ به ویژه این‌که ورود مذکور بدون اجازه افراد صورت گیرد. این حریم در حقوق بشر تحت عنوان حریم خصوصی شناخته می‌شود [۶، ص ۳۷۵].

ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مداخله در زندگی خصوصی افراد از طریق انواع مراقبت را منع کرده است. این حق در کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حقوق بشر و همچنین منشور عرب در مورد حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. به نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد «این حق باید در برابر کلیه مداخلات و تعرضات اعم از این‌که از سوی مقامات دولتی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به عمل آید، تضمین شود» [۷، پ ۱].

البته تعریف قانونی از حریم خصوصی وجود ندارد، لذا باید به آموزه‌های دانشگاهی و رویه قضایی رجوع کرد. به نظر می‌رسد می‌توان حریم خصوصی را چنین تعریف کرد: «حریم خصوصی یعنی حوزه پنهان و محرمانه و جایی که فرد حق دارد در آن آسوده و آرام باشد». رویه قضایی نیز به نوبه خود این مفهوم را تقویت و تأکید کرده است که «خیابان ذاتاً یک مکان عمومی است»، زیرا بدون نیاز به اخذ مجوز برای همه قابل دسترسی است [۷]. البته این مفهوم مضیق از زندگی خصوصی، امروزه پذیرفتنی نیست؛ زیرا این مطلب پذیرفته شده است که ما می‌توانیم در یک مکان عمومی

هم در حالت خصوصی باشیم. لذا بر این اساس نمی‌توان هویت کسی را برملا کرد. یک زوج جوان انتظار ندارند که تمام حرکات آن‌ها تنها به این دلیل که در یک مکان عمومی هستند، ثبت و ضبط شود.

۲-۲. نقض حریم خصوصی در پیشگیری از جرائم سازمان یافته

دغدغه پیشگیری مطلق از جرائم سازمان یافته منجر به توسل به انواع تدابیر پیشگیرانه و به تبع آن مداخله در حریم خصوصی افراد شده است. به عنوان مثال اندیشه پیشگیری از حضور تروریست‌ها در پرواز منجر به کنترل پیشگیرانه مسافری و دسترسی به اطلاعات شخصی آن‌ها شده است که این دسترسی بدون تعرض به حریم زندگی خصوصی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در یک جامعه دموکراتیک اصل بر محدود کردن مداخلات سرکوبگر است؛ حال آن‌که در جوامع دارای نظام سیاسی تمامیت خواه، پیشگیری از هر نوع رفتار معترضان یا هر نوع مخالفت، از طریق یک نظارت قوی نسبت به کل جامعه در دستور کار است.

نصب دوربین در مکان‌های عمومی یکی از مواردی است که برای پیشگیری از جرم سازمان یافته مورد استفاده قرار گرفته است. این دوربین‌ها تمام حرکات و رفت و آمدهای شهروندان را کنترل می‌کنند. به نظر می‌رسد در چنین مواردی حقوق بنیادین در کارزار امنیت قربانی می‌شود. اقدامات برخی جنبش‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه، موجب آشکار شدن چهره تمامیت خواه برخی دولت‌ها شده است. این وضعیت باعث شده است این کشورها، حداکثر استفاده از سرکوب شدید را ببرند [۸، ص ۷۴۲].

در سال ۱۹۶۸ قانونی در آلمان به تصویب رسید که براساس آن شنود مکالمات تلفنی و بررسی بسته‌های پستی مجاز شده بود. چهار حقوقدان، ابتدا در آلمان (دادگاه قانون اساسی) سپس در دادگاه اروپایی حقوق بشر، با توجه به نقض حق زندگی



خصوصی، تقاضای لغو آن را کردند. دادگاه آلمان به دلیل این که آنان بزه دیده این نقض نیستند، آنان را ذینفع ندانست و درخواستشان را رد کرد؛ ولی دادگاه اروپایی این درخواست را با این استدلال پذیرفت: «اگر دولت‌ها از طریق تدابیر مراقبتی بخواهند از کنترل دیوان خارج شوند، هدف حمایت از حقوق بشر که مورد نظر دیوان است، محقق نخواهد شد. لذا هرکدام از درخواست‌کنندگان حق دارند اعلام کنند که بزه دیده نقض این حقوق هستند».

دیوان در نهایت نظر داد که رویه‌ها و اقدامات پیشگیرانه باید اصول شناخته شده عدالت و حقوق بشر را رعایت کنند. بنابراین یافتن تعادل همیشه دشوار بوده است. حق بر حریم خصوصی شامل سه جزء می‌شود:

- حق بر عدم ورود بدون اجازه به حریم خصوصی،
 - حق هر فرد به دسترسی به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی خود،
 - حق بر استقلال معنوی [۷، پ ۹-۱۰].
- حق بر عدم ورود بدون اجازه به حریم خصوصی نیز شامل موارد زیر می‌گردد:
- بازرسی منازل و اقامتگاه،
 - تفتیش بدنی،
 - شنود تلفنی،
 - بازرسی مکاتبات و بسته‌های پستی،
 - جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات شخصی افراد که جز با اجازه قانون ممنوع است [۷، پ ۸-۹].

در مورد اخیر رویه قضایی داخلی و بین‌المللی متفق است که ذخیره و انتشار اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد در فایل‌های سری، برخلاف قاعده احترام به حریم خصوصی است، مگر این که با مجوز قانونی و دستور مقام صلاحیت‌دار صورت پذیرفته باشد [۹، ص ۱۳۶].

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بسیاری از کشورها مانند آلمان، انگلستان و آمریکا صلاحیت‌های آژانس‌های اطلاعاتی خود را افزایش دادند. این وضعیت حتی به جمع‌آوری اطلاعات از شرکت‌های خصوصی ارائه‌دهنده خدمات ارتباطی نیز تسری یافته است. این شرکت‌ها موظف شده‌اند پاره‌ای از اطلاعات ارتباطی را حفظ کنند [۱۰، ص ۳-۱۱].

در فرانسه با قانون شماره ۶۴-۲۰۰۶ بیست و سوم ژانویه ۲۰۰۶ در مورد تروریسم، اختیار نهادهای مسئول جمع‌آوری اطلاعات افزایش یافت. ثبت و ضبط تصاویر از طریق دوربین‌های مراقبت در مکان‌های عمومی، پردازش اطلاعات شخصی درخصوص رفت و آمد در اتحادیه اروپا و عکس گرفتن از مسافری در شبکه‌های جاده‌ای از جمله این اختیارات است. در سطح اروپا نیز پلیس از مجموعه‌ای از فیش‌ها از قبیل سیستم اطلاعات گمرک،^۱ سیستم جمع‌آوری اثر انگشت متقاضیان پناهندگی و مهاجران غیرقانونی، سیستم اطلاعات شنکن^۲ و سیستم ملی شنکن^۳ و سیستم اطلاعات پلیس اروپایی برخوردار است.

در بریتانیا بند ۲ ماده ۱۲ قانون «ضد تروریسم، جنایت و امنیت (۲۰۰۱)» به مقامات عمومی اجازه می‌دهد که اطلاعات مرتبط را به منظور انجام هرگونه تحقیقات کیفری در میان خود افشا کنند. گستره این مجوز به حدی است که حتی مورد اعتراض کمیته مشترک پارلمانی حقوق بشر نیز قرار گرفته است [۱۱، پ ۳۸-۳۹].

در ایالات متحده نیز قانون پاتریوت که بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر به تصویب رسید، آزادی عمل وسیعی به مأمورین اجرای قانون اعطا کرده است. برای مثال مطابق این قانون مأمورین اجرایی قانون می‌توانند بدون اطلاع قبلی فرد، اموال او را مورد تفتیش قرار دهند [۱۲].

۱. SLD
۲. SIS
۳. N-SIS



به دنبال حملات سپتامبر ۲۰۰۱، دولت آمریکا دسترسی به شخصی مسافری به این کشور را طی قانون امنیت پرواز و حمل و نقل تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۱ و قانون ۵ می ۲۰۰۲ الزامی کرد. این قانون مقرر می‌دارد که از تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۳، شرکت‌های هوایی باید برخی اطلاعات مربوط به مسافری را مطالبه کنند. این اطلاعات^۱ به واحدهای مربوط به خدمات هوایی (از آژانس مسافرتی تا نیروهای خدمات توقف در فرودگاه) اجازه می‌دهد تا ضمن شناسایی مسافر، از پرواز او، رفت و آمدش، پرواز ترانزیت، خدمات اختصاصی خواسته شده توسط او، تماس‌های تلفنی او پیش از نشستن روی زمین، پرداخت‌ها، رزرو هتل، اتومبیل، نوع غذا و ... مطلع شوند. بدیهی است دسترسی به این اطلاعات می‌تواند به حریم خصوصی مسافری لطمه وارد کند.

در ایالات متحده عربی مقررات شدیدی موسوم به قانون ۲۴/۲۰۰ برای مبارزه با پولشویی وضع شده که به موجب آن هر کسی هنگام افتتاح حساب باید اطلاعات کاملی حتی در امور محرمانه خود ارائه دهد و اگر مبالغ هنگفتی به حساب شخصی واریز شود باید مشخصات کامل واریزکننده مشخص باشد [۱۳، ص ۱۲].

حق افراد بر دسترسی به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی خود که از آن به عنوان حق بر اطلاع‌رسانی نیز یاد می‌شود، همان حق بر دسترسی به اطلاعات شخصی توسط صاحب اطلاعات است که مقامات عمومی را ملزم به پاسخگویی می‌کند. برای اعمال این حق داشتن اطلاعاتی در مورد مقامات و نهادهای صلاحیتدار مسؤول جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات مربوط به حریم خصوصی گریزناپذیر است. به نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به منظور لحاظ بیش‌ترین حمایت از حیات خصوصی، هر فرد باید به طور قابل فهمی حق احراز این نکته را داشته باشد که در صورت وجود، چه اطلاعات شخصی از وی در فایل‌های اطلاعاتی اتوماتیک و برای چه منظوری ذخیره شده است. همچنین هر فرد باید قادر به احراز آن باشد که کدام مقام عمومی یا اشخاص یا مجموعه‌های خصوصی بر فایل‌های اطلاعاتی او کنترل داشته یا

۱. passenger name record

ممکن است چنین کنترلی داشته باشند. اگر این فایل‌ها حاوی اطلاعات شخصی نادرست و یا برخلاف مقررات قانون جمع‌آوری یا تملک شده باشند، هر فرد باید از حق درخواست تصحیح یا حذف آن اطلاعات برخوردار باشد [۷، پ ۱۰].

در کنوانسیون پالرمو ضرورت مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و خصوصاً تطهیر پول بر حفظ اسرار بانکی که بخشی از حریم خصوصی افراد است، فائق آمده است. امروزه بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، با الهام از اسناد بین‌المللی مورد اشاره در جهت تعدیل اصل رازداری شغلی و بانکی اقدام کرده‌اند. برای مثال رفع مانع ممنوعیت قانونی افشای اسرار شغلی یا رفع مانع ممنوعیت افشای مشخصات و موجودی حساب‌های بانکی افراد در قوانین و مقررات بانکی این قبیل کشورها پذیرفته شده است. قانون امور بانکی فرانسه (۱۹۴۸) در بند اول ماده ۵۷ صراحتاً به اصل رازداری بانکی اشاره کرده است. مع الوصف به موجب بند ۲ این ماده غیر از موارد مصرح قانونی، رازداری حرفه‌ای در مقابل مقام قضایی که در چارچوب آیین دادرسی کیفری عمل می‌کند قابل استناد نیست. به‌علاوه، طبق قانون ۱۹۹۵ بانک‌ها موظف هستند علیرغم تعهد رازداری، مشتریان مظنون را به یک سازمان خاص به نام «تراکفن»^۱ اعلام کنند. به این ترتیب در نظام حوقی فرانسه اصل رازداری بانکی، نه در سطح ملی و نه در سطح بین‌المللی قابل استناد نیست [۱۴، ص ۲۳].

قربانی نشدن حریم خصوصی افراد که مورد تأکید میثاق حقوق مدنی و سیاسی قرار گرفته است در راستای پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته در قوانین و رویه داخلی برخی کشورها و همچنین در رویه بین‌المللی کاملاً مشهود است.

هرچند که حفظ نظم عمومی از اهداف اولیه دولت‌ها است و در قوانین و رویه‌های ذکر شده در بالا تلاش دولت‌ها این بوده است که در تقابل بین نظم عمومی و رعایت حقوق بشر در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته جانب نظم عمومی را نگه دارند، اما به نظر می‌رسد که در رویه اتخاذ شده توسط دولت‌ها، توسل به نظم عمومی در چارچوب

۱. Tracfin



امنیت دولت محور است، نه امنیت انسانی.

۳. حق بر آزادی‌های فردی

نگاه مصلحت‌محورانه و نتیجه‌گرایانه به حاکمیت و امنیت و قربانی کردن آزادی افراد در پای آن بیش‌تر با نظریات سودمدارانه سازگار است. نظریه هنجاری نفع‌مدار اصالتاً توجیه‌گر و مدافع حقوق بشر معاصر نیست. نتیجه‌گرایان، اخلاقی بودن عمل و یا قاعده را بر مبنای پیامدها و نتایج آن ارزیابی می‌کنند. براساس نظریه نفع‌مدار ملاک ارزیابی موجه بودن عمل یا قاعده است. بنابراین در این نگاه جهتگیری نظام حقوقی در صورتی موجه خواهد بود که نفع را به حداکثر رسانیده، دردها را به حداقل ممکن برساند. به نظر می‌رسد در تلاش برای پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته این رویکرد مورد توجه بوده است.

به نام امنیت و نظم عمومی و به بهانه آن ممکن است حقوق بنیادین از جمله آزادی‌های عمومی اشخاص نقض گردد. به عنوان مثال معمولاً به هنگام برگزاری اجلاس سران کشورهای صنعتی با موضوع جهانی، مخالفین این جریان به منظور اعلام مخالفت، از کشورهای مختلف با حضور در محل اجلاس، به تظاهرات می‌پردازند. در این وضعیت، کشورها به نام نظم عمومی و پیشگیری از جرم، مانع رفت و آمد آزادانه اشخاص شده، از خروج آن‌ها از مرز جلوگیری می‌کنند؛ در صورتی که به طور طبیعی، اکثر تظاهرات با عدم رعایت نظم عمومی همراه هستند. لذا حق اعتراض و نیز آزادی رفت و آمد در این شرایط به طور جدی محدود می‌گردد. از طرفی اخذ اطلاعات شخصی تظاهرکنندگان و استفاده از آن برای زندگی خصوصی آن‌ها یک خطر محسوب می‌گردد.

ساز و کارهای امنیت نباید مانع رفت و آمدها و نیز مبادلات افراد گردد. مثلاً

اجباری کردن پاسپورت‌های بیومتریک^۱، رفت و آمد به آمریکا را با مشکل مواجه کرده است. از اکتبر ۲۰۰۵ هر فرد خارجی برای ورود به خاک آمریکا باید دارای پاسپورت فوق باشد. عده زیادی به همین دلیل نمی‌توانند به موقع ویزای خود را دریافت کنند. لذا این ساز و کار در کوتاه مدت مانع جابه‌جایی افراد می‌گردد، همچنان‌که در دراز مدت نیز کنترل مرزها می‌تواند در سرعت و سهولت جابه‌جایی اموال و اشخاص ایجاد مانع کرده، در نهایت موجب کاهش تجارت جهانی گردد.

دولت‌ها برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، بخصوص تروریسم و قاچاق، مبادی ورود و خروج را به طور سختگیرانه‌ای کنترل و بازرسی می‌کنند. در بسیاری موارد اعمال این محدودیت‌ها و کنترل‌ها به صورت تبعیض‌آمیز صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر عموماً دولت‌ها بیش‌تر توجه و حساسیت خود را متوجه اتباع خارجی یا اتباعی که اصالتاً اهل کشور دیگر باشند، کرده‌اند. قوانین ایالات متحده برچسب تروریست و قاچاق را بیش‌تر بر اتباع خارجی می‌زند تا شهروندان خودی [۲، ص ۱۵].

علاوه بر این در راستای پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته، دولت‌ها آزادی افراد را حتی در امور بازرگانی و اقتصادی‌شان محدود می‌کنند. در ایالات متحده، خزانه‌داری محدودیت‌هایی را برای افتتاح حساب یا نگهداری برخی حساب‌های ویژه و برخی حساب‌های کارگزاری پیش‌بینی کرده است.

همچنین به موجب قانون کنترل پولشویی ۱۹۸۶ این کشور اگر یک بانک معامله‌ای را بدون شناسایی منبع غیر قانونی واقعی وجوه مربوط انجام دهد، در حالی که بایست عرفاً به آن شک می‌کرد، ممکن است مقصر تلقی گردد.^۲

دیدگاه نابرابر دولت‌هایی که سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند نسبت به برخی گروه‌ها، ملیت‌ها و کیش‌ها، زمینه را برای کنترل شدید در مبادی ورود و خروج، به‌ویژه در فرودگاه‌ها فراهم ساخته است. بازرسی بدنی آشکار، تفتیش افزارها، بررسی بارها،

۱. biometrique

۲. Money Laundering Control Act (MLCA), codified at 18 U.S.C, 1956 and 1957.



انگشت نگاری، ایستادن کوتاه مدت در جایی ویژه، منتظر گذاشتن، پیگرد نامحسوس در فرودگاه‌ها یا حتی بازداشت که برخی آن را بازداشت پیشگیرانه^۱ نامیده‌اند [۱۵، ص ۲۰۵] از جمله اقدامات دولت‌ها نسبت به مسافری است که کرامت انسانی افراد را زیر سؤال می‌برد.

هرچند که جهت حفظ نظم و امنیت در جامعه، محدود کردن حقوق و آزادی‌های افراد گریز ناپذیر و گاه ضروری است، اما افراط در این زمینه نرم‌های حقوق بشر را که جامعه جهانی برای دستیابی به آن بهای بسیاری را پرداخته است، نقض می‌کند. به دنبال مقابله با جرائم سازمان یافته، تدابیر پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی و به تبع آن قوانین داخلی بیش‌تر در مقام محدودسازی حقوق و آزادی‌ها و نحوه اعمال و استفاده از آن‌ها، به‌ویژه آزادی رفت و آمد انسان‌ها هستند [۱۶، ص ۲۰۴]. کنار گذاشتن حقوق بشر در مواقع بحرانی و اضطراری و نیز عدم رعایت حاکمیت قانون، چارچوب حقوق بشر را که پس از جنگ جهانی دوم به این سو با مشقت و صعوبت بنا شده است و نیز همان ارزش‌هایی را که قرار است مورد حمایت قرار دهد تهدید می‌کند. جهان رفتارهای غیر انسانی را تحت هیچ شرایطی نمی‌پذیرد. از طرفی جنگ علیه تروریسم به رهبری ایالات متحده آمریکا بر این نگرش مبتنی است که وقایع ۱۱ سپتامبر باید زنگ خطری قلمداد گردد، مبنی بر این‌که جهان تغییر یافته است و جامعه بین‌المللی نیازمند ابزارها، استراتژی‌ها و شاید یک ساختار هنجاری جدید در برخورد با این تهدیدهای شدید علیه امنیت جهانی است.

۴. تعلیق تعهدات حقوق بشر در راستای پیشگیری از جرائم

سازمان یافته

۴-۱. تفاوت اعمال محدودیت با تعلیق

۱. preventive arrest

عدول از اعمال حقوق، تحت یک عنوان و یک بند کلی در اسناد عام راجع به حقوق بشر پیش‌بینی شده است [۱۷، ماده ۴]. مطابق این بند، دولت‌ها می‌توانند در مواقعی که یک خطر عمومی و استثنایی، موجودیت کشور را تهدید می‌کند، برخی از حقوق و آزادی‌های مذکور در این اسناد را موقتاً معلق سازند؛ هرچند تعلیق آن مستلزم رعایت برخی شرایط شکلی و ماهوی است [۱۸، ص ۱۶۹-۱۷۹].

تفاوت اساسی محدودیت‌ها با تعلیق بدین شرح است:

• محدودیت‌ها در شرایط عادی اعمال شده، دائمی هستند، اما تعلیق در شرایط بسیار استثنایی اعمال می‌شود و به صورت موقت است. به عنوان مثال هنگامی که یک کشور در معرض خطر داخلی یا خارجی قرار گیرد، به طوری که تمامیت ارضی آن مورد خدشه باشد، می‌توان به طور موقت آزادی بیان و مطبوعات را معلق کرد [۱۸].

• در محدودیت‌ها، وقتی یک حق مورد تحدید واقع شود به تمامیت این حق نمی‌توان لطمه‌ای وارد کرد، بلکه اجرای آن به طور جزئی محدود می‌گردد؛ حال آن‌که با تعلیق یک حق، این حق به صورت موقت و به طور کامل قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد [۱۹، ص ۳۳-۳۴].

برخی از حقوق هم قابل تعلیق و هم قابل محدودیت هستند. از جمله این حقوق حق آزادی تجمع و بیان است [۲۰، ص ۲۰۲]. اما در مورد برخی از حقوق امکان هیچ محدودیتی وجود ندارد که به آن‌ها «حقوق غیرقابل نقض» می‌گویند؛ مانند ممنوعیت شکنجه، رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه غیرانسانی یا ترذیلی.

لازم به ذکر است که درخصوص تعلیق حقوق اساسی و اعمال شرایط محدود و اعلام حالت فوق‌العاده در راستای پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته، به قدری خطر این جرائم در دل مردم ایجاد رعب و وحشت کرده است که تحت تأثیر این وحشت، کاملاً آماده تعلیق برخی آزادی‌های مندرج در قوانین اساسی می‌شوند [۲۱، ص ۱۷۳].

با وجود این، نوعی نگرش فایده‌گرا که استفاده از شکنجه را در چارچوب مبارزه با تروریسم توجیه می‌کند، در برخی کشورها از جمله آمریکا و انگلستان، در حال ظهور

است.

برخی از حقوق که جزء لاینفک حق زندگی و کرامت انسانی فردند و زمینه برخورداری از سایر حقوق را فراهم می‌سازند در هیچ شرایطی قابل نقض نیستند [۲۲]، خواه این حقوق صراحتاً توسط یک کنوانسیون بین‌المللی حمایت شده باشند، خواه ناشی از حقوق عرفی باشند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌صراحت این حقوق غیرقابل نقض را برمی‌شمارد؛ از جمله حق زندگی [۱۷، ماده ۶]، حق مورد آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه یا غیرانسانی یا ترذیلی قرار نگرفتن [۱۷، ماده ۷]، حق عدم بردگی [۱۷، ماده ۸]، ممنوعیت عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری [۱۷، ماده ۱۵]. با وجود این، کمیته حقوق بشر به‌صراحت اعلام کرده است که این فهرست از حقوق غیرقابل نقض، حصری نیست. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز به‌صراحت به تضمینات قضایی بنیادی برای حمایت از حقوق غیرقابل نقض اشاره کرده است، در حالی که میثاق به این امر به‌صراحت اشاره نکرده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی قابل توجهی نسبت به حقوق غیرقابل نقض به‌ویژه ممنوعیت شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی و ترذیلی دارد. ماده ۵ قانون اخلاق رفتار حرفه‌ای نیز مقرر می‌دارد:

«هیچ‌یک از مسئولین اجرای قانون نمی‌تواند یک شکنجه یا کیفر یا رفتار وحشیانه غیرانسانی، تحقیرکننده را تحمیل کند یا موجب آن گردد یا اجازه دهد؛ همچنان‌که نمی‌تواند برای شکنجه و سایر کیفرهای رفتار وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده، به اوضاع و احوال استثنایی مانند جنگ، تهدیدات امنیت و بی‌ثباتی داخلی یا هر نوع حالت فوق‌العاده متوسل شوند».

۲-۴. شرایط تعلیق حقوق بشر

بیش‌تر معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، امکان تعلیق برخی از حقوق را در زمان و دوره‌های استثنایی پیش‌بینی می‌کنند. با وجود این، اگرچه این

تدابیر استثنایی اجازه داده شده است، لکن دولت‌ها موظفند شرایطی را مراعات کنند تا اساس این حقوق حفظ شود.

ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مبنای قانونی اقدام دولت‌ها در توسل به ابزار تخطی از برخی حقوق و آزادی‌ها را تشکیل می‌دهد. براساس این ماده، هرگاه یک خطر عمومی استثنایی موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای اطراف میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌کند، اتخاذ کنند؛ مشروط بر این‌که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصرراً براساس نژاد، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود. کمیته حقوق بشر در ملاحظاته در خصوص حالت فوق‌العاده، اصول اساسی تدابیر خارج از الزامات حقوق بشر موضوع ماده ۴ را یادآور شد [۲۳، پ ۲-۴]. که به شرح ذیل است:

اولین شرط، یک خطر عمومی استثنایی است که موجودیت یک ملت را تهدید می‌کند. اصول سیراکوز^۱ نیز در خصوص محدودیت‌ها و موارد عدول در حقوق بین‌الملل بشر، به بررسی تهدید علیه موجودیت ملت پرداخته است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز به مناسبت یک رأی^۲ خاطر نشان ساخت که الفاظ و اصطلاحات ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مفهومی شبیه مفهوم ماده ۴ میثاق دارد. دادگاه «خطر عمومی تهدیدکننده موجودیت ملت» را همانند «یک وضعیت بحران یا یک خطر استثنایی و قریب‌الوقوع دانست که کل جمعیت را تحت تأثیر قرار داده، یک خطر برای زندگی سازمان‌یافته مردم به وجود می‌آورد [۲۴، پ ۲۸].

در ارتباط با مفهوم «قریب‌الوقوع» نظریه‌پردازان خاطر نشان ساخته‌اند که شرط

۱. اصول سیراکوز در سال ۱۹۸۴ در کنفرانس دو روزه و با حضور ۳۱ کارشناس حقوق بین‌الملل و با هدف توضیح و تحلیل رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به محدودیت‌ها و موارد عدول تدوین شد.
۲. این رأی موسوم به رأی Law Less است.



قرار گرفتن در شمول ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، این است که احتمال وقوع یک بحران باید ضعیف و دور از انتظار نباشد. از آن زمان دیوان اعلام کرد که خطر بالقوه که پس از چند هفته و یا حتی ماه‌ها بالفعل می‌شود، از شمول این ماده خارج است [۲۵، پ ۴۵۳].

حالت فوق‌العاده باید به طور رسمی اعلام شود. کمیته حقوق بشر در یک تفسیری در مورد ماده ۴ بیان داشته که «این شرایط باید اساسی باشد» [۲۶، ص ۲۹۹]. شرط سوم ماده چهار رعایت تناسب است. از سوی این تدابیر باید فقط به میزانی که وضعیت ایجاد می‌کند باشد. بنابراین چنانچه یک دولت توانست حالت فوق‌العاده را توجیه کند نمی‌تواند هر تدبیر و اقدامی را اتخاذ کند؛ یعنی صرف اثبات این که این تدابیر به خاطر ضرورت حالت فوق‌العاده اتخاذ شده است کافی نیست، بلکه واقعاً باید توسل به آن‌ها لازم بوده باشد. اصل ۵۴ از اصول سیراکوز نیز به رعایت جنبه ضرورت تأکید می‌ورزد.

شرط چهارم این است که این تدابیر با سایر تعهدات دولت در حقوق بین‌الملل ناسازگار نباشد. در نتیجه زمانی که یک دولت عضو میثاق، یک موافقتنامه بین‌المللی دربردارنده یک شرط محدودتر از آنچه در میثاق پیش‌بینی شده است را بپذیرد، این موافقتنامه می‌تواند یک محدودیت مضاعف برای او محسوب شده، قدرت مانور این دولت را کاهش دهد.

آخرین شرط این است که این تدابیر منجر به تبعیضی براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و منشأ اجتماعی نشود. کمیته حقوق بشر در این خصوص خاطر نشان کرده است که هر چند اصل عدم تبعیض در ماده ۲۶ به عنوان حق غیرقابل عدول معرفی نشده است، لکن برخی از جنبه‌های این حقوق به‌ویژه در چارچوب ماده ۴ غیرقابل نقض است.

تمام شروط محدودیت که در میثاق به آن اشاره شده است، از این حکایت دارد که این محدودیت‌ها، باید طبق قانون داخلی انجام شود. این امر معمولاً در قالب عبارات

«پیش‌بینی شده در قانون» «مطابق قانون» و ... بیان می‌شود؛ لکن آنچه دارای اهمیت است این است که قانون داخلی باید از کیفیتی مناسب برخوردار باشد.

۳-۴. ضرورت اعمال محدودیت در یک جامعه دموکراتیک

امروزه دموکراسی و حقوق بشر، لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که وجود هریک به تنهایی غیر ممکن است؛ زیرا دموکراسی به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های عمومی منجر شده، به نوبه خود، رعایت حقوق بشر نیز باعث ایجاد دموکراسی می‌گردد. این امر با هدف حمایت در مقابل اقدامات خودسرانه است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، برای تعیین این‌که آیا این محدودیت لازم است یا خیر از اصل تناسب استفاده می‌کند. این محدودیت باید متناسب با یک هدف مشروع بوده، به یک نیاز اجتماعی فوری پاسخ دهد.

اما باید خاطر نشان ساخت شرط دموکراتیک بودن جامعه برای اعمال محدودیت‌ها بر مقررات حقوق بشر، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با واقعیت‌های کشورهای عضو این میثاق سازگار نیست؛ زیرا این کشورها نامتجانس بوده، از فرهنگ‌های متفاوت برخوردارند، به طوری که حتی برخی از کشورها در عمل به دموکراسی اعتقادی ندارند، اما در عوض در برخی جوامع، مفهوم جامعه دموکراتیک مهم‌ترین ارزش نظم عمومی آن جامعه محسوب می‌شود.

اما به تدریج این اندیشه مطرح شده است که جامعه دموکراتیک برای موفقیت در مبارزه با جرم راهی جز این‌که کم‌تر دموکراتیک باشد، ندارد و آیین دادرسی عام برای مبارزه کافی نیست و ناچار باید به شیوه‌های استثنایی و خاص متوسل شد. نوعی گفتمان افراطی توجیه‌کننده رویه‌های امنیت‌مدار آغاز شده است که تجلی جدید آن به صورت تقویت اختیارات مقامات اجرایی، افزایش اقدامات اطلاعاتی و نیز تقویت پلیس اداری و پلیس قضایی بخصوص در مقابله با جرائم سازمان‌یافته است. سرکوبی حتمی

تروریسم، پولشویی، قاچاق انسان و ... به قیمت محدود کردن حقوق، آزادی رفت و آمد، و حق بر زندگی خصوصی صورت می‌پذیرد. به طور کلی استثنائات در حال تبدیل به اصل هستند.

مبارزه علیه جرائم سازمان‌یافته، سبب ایجاد شبکه‌های واقعی سرکوبی و مبارزه شده است که عملاً جرم و انحراف، هر دو را سرکوب و مجازات می‌کند [۲۷، ص ۱۶۸] به عنوان مثال قانون پیشگیری از تروریسم، مصوب ۱۹۷۶ در انگلستان، به منظور پیشگیری از ارتکاب تروریسم، وجود روابط حتی دور با سازمان‌های ممنوع شده را جرم می‌داند.

۵. نتیجه گیری

رویکردهای اتخاذی جامعه بین‌المللی به‌ویژه کشورهایمانند آمریکا، فرانسه و بریتانیا در رابطه با پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته نشان می‌دهد که در بسیاری موارد این رویکردها در تقابل با موازین حقوق بشری هستند. آثار مخرب این جرائم بر امنیت و نظم عمومی، در برخی موارد بهانه‌ای در دست دولت‌ها شده است تا با توسل به پیشگیری از وقوع این جرائم، فضای لیبرال و دموکراتیک جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. در بسیاری موارد اغراق در خطر این جرائم چنان رعب و وحشتی در افکار عمومی خلق کرده است که خود شهروندان نه تنها هیچ اعتراضی به نقض حقوق اولیه و بنیادین خود ندارند، بلکه چنین تحدیدهایی را لازم و ضروری می‌دانند. در واقع می‌توان گفت هرچه وسایل تأمین امنیت افزایش یابد، افراد کم‌تر حمایت می‌شوند. بسیاری از ساز و کارهای امنیت و پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته باعث شده آزادی‌های فردی، فعالیت‌های اقتصادی و حتی امنیت افراد دچار صدمه گردد. در چند سال گذشته تمایل دولت‌ها به استفاده از تدابیر فنی بیش‌تر شده است.

دغدغه پیشگیری مطلق از جرائم سازمان‌یافته منجر به توسل به انواع تدابیر پیشگیرانه و به تبع آن مداخله در حریم خصوصی افراد شده است. به‌علاوه این ساز و

کارها موجب محدودیت در آزادی‌های عمومی افراد مانند آزادی رفت و آمد، آزادی تجارت و ... می‌شود. همچنین تفکر پیشگیری مطلق از جرائم سازمان‌یافته، در مواردی منجر به اعلام ایجاد وضعیت فوق‌العاده گردیده که خود باعث عدول از حقوق بشر حتی در جوامع دموکراتیک شده است.

تأثیرات منفی جرائم سازمان‌یافته بر امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع بر کسی پوشیده نیست. از آن‌جا که ماهیت این جرائم متفاوت از جرائم دیگر است ساز و کارهای پیش‌بینی شده برای مبارزه با این جرائم متفاوت و سختگیرانه‌تر خواهد بود. اما نباید در اتخاذ ساز و کارهایی جهت مبارزه با این جرائم و سختگیری نسبت به برخورد با آن‌ها اغراق کرد. هیچ تردیدی وجود ندارد که جرائم سازمان‌یافته کاملاً متفاوت از سایر جرائم هستند، آثار مخرب آن‌ها حتی می‌تواند تمامیت یک دولت را به خطر بیندازد، حقوق بنیادین و اساسی افراد از جمله حق حیات و حق بر تمامیت جسمانی، کرامت انسانی، حق بر امنیت و ... را نقض می‌کنند و در راستای مبارزه با این جرائم کمی متفاوت و سختگیرانه باید عمل کرد، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که دادن چنین آزادی عملی به دولت‌ها به منظور مبارزه با این جرائم، کم‌کم فضای جوامع را تبدیل به فضای امنیتی کرده، دولت‌ها از این فضا به نفع اهداف تمامیت خواه خود استفاده خواهند کرد.

نرم‌های حقوق بشری به سادگی به دست نیامده اند که به سادگی بتوان از کنار آن‌ها گذشت. لذا باید در مبارزه با این جرائم همواره رعایت حقوق بشر مد نظر قوای تقنینی، اجرایی و قضایی کشورها قرار گیرد. همواره باید بین پیشگیری از جرم و کنترل افراد قائل به تفکیک بود.

در هر حال راه حل مبارزه با این جرائم، نقض حقوق بنیادین بشر نیست. تأمین و رعایت این حقوق، خود یک راه حل پیشگیرانه است. نباید به بهانه کارایی راه‌حل‌های مبارزه با جرم سازمان‌یافته، حقوق بشر نادیده گرفته شود. حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی در دراز مدت، بهترین راه‌حل مبارزه با این جرائم است. لذا همواره باید

موازنه نسبی بین امنیت و حقوق و آزادی‌های فردی برقرار باشد و هرگز نباید حفظ امنیت، نظم عمومی و ... بهانه‌ای برای کنار گذاشتن هنجارهای حقوق بشری باشد؛ در حالی که رویه اتخاذی دولت‌ها در این خصوص نمایانگر کنار گذاشتن حقوق بشر به منظور مبارزه با این جرائم است که این رویکرد باید مورد اصلاح قرار گیرد.

۶. منابع

- [1] Swanstorn, Nikolas, "The Narcotics Trade: A Threat to Security? National and Transnational Implications", *global crime*, vol. 8, 2007.
- [۲] عالی پور، حسن، «بزه‌های سازمان‌یافته، امنیت و پلیس»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲، ۱۳۸۸.
- [۳] صفاری، علی، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۴، ۱۳۸۰.
- [۴] ابراهیمی، شهرام، «پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- [5] Dowley, Michael, "Government Surveillance Powers under the USA Patriot Act: It Is Possible to Protect National Security and Privacy at the same Time? A Constitutional Tug- of- War", *Suffolk university law review*, vol. 36, 2002.
- [6] W. Joyce, Lurk, "Identifying Terrorist: Privacy Right in the United States and the United Kingdom", *Hasting Internal and Comparative Law Review*, vol. 25, 2002.
- [7] General Comment, No. 16: The right to respect of privacy family, home and correspondence and protection of honor and reputation, Art. 17 C. C. P. R, Human Rights Committee, 1988.
- [8] Mcersch w .j. Ganshof, Vander, *Security of Individual liberty and Dignity in Comparative Law*, general report of international congress of

comparative law, Bruccell, Bruylant, 2009.

[۹] عبداللهی، محسن، «حقوق و قواعد قابل اعمال در مبارزه با تروریسم»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

[10] Krieger, Heike, "Limitation on Privacy, Freedom of Press, Opinion and Assembly as Means of Fighting Organized Crime", Available at: <edoc.mpil.de/conference_on_terrorism/index.cfm>.

[11] The parliament committee on human rights, second report, 2001.

[12] USA Patriot Act: Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terror, 24oct. 2001, pub. L: No. 107-156, 115 stat. 272, available at: www.epic.org/privacy/terrorism/nr3162.pdf/.

[۱۳] خمایی زاده، فرهاد، «مبارزه با پولشویی در بانک‌ها و مؤسسات مالی: نگاهی به قانون ضدتروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹، ۱۳۸۲.

[۱۴] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، قم: همایش علمی کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ج ۱، ۱۳۸۲.

[15] Cohen, Stanley, "A Privacy Crime and Terror: Legal Rights and Security in a Time of Peril", Toronto, Lexis Nexis, Butterworths, 2005.

[16] U. Smart, "Human Trafficking: Simply a European Problem", *European Journal of Crime Justice*, vol. 11, No. 2, 2003.

[۱۷] میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

[۱۸] کوچ نژاد، عباس، «محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، نشریه حقوق اساسی، س ۲، ش ۳، ۱۳۸۳.

[19] Ergec, Rusen, "Human Rights on Declaring Extraordinary



Circumstances", Bruylant, 1987.

[20] Sudre, Frefric, "*European law and International Law Concerning Human Rights*", PUF, 2003.

[21] Gilly, Thomas, "Le Prévention Entre Tradition et Inovation, le Cas Allemande", in *RICP*, No. 1, 2003.

[۲۲] اسدی، طیبیه، «رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر با تأکید بر حقوق بنیادین»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۸۳.

[23] Observations No. 29, documentation CCPR/C/21, rev/ add. 11. 2001.

[24] European Court of Human Rights, Lawless case (Merits), services A, No3, Judgment of 1 July 1961.

[25] European commission of Human Rights, Report of the commission, 12 a yearbook EUR. Conv. Human Rights, 1969.

[26] McCarthy, Svensson, "*The International Law of Human Rights and States of Exception*", The Hague, Martinus, publishers, 1998.

[27] Bassioni, M.Cherif and Veter, Eduardo, "*Organized Crime*", New York, Transnational Publishers Inc, 2006.

